



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی لرستان

دانشکده دندانپزشکی خرم آباد

دفتر توسعه آموزش دانشکده دندانپزشکی خرم آباد

راهنمای تدوین طرح درس (lesson plan)

طرح درس روزانه (Daily lesson plan)

طرح درس روزانه شامل پیش بینی مجموعه فعالیت هایی است که مدرس از پیش برای رسیدن به یک یا چند هدف آموزشی در یک جلسه تدریس، تدارک می بیند. این پیش بینی باید به سوالات زیر پاسخ دهد:

- فراگیران چه چیزی باید یاد بگیرند؟
- چه روش هایی برای تدریس مورد استفاده قرار خواهد گرفت ؟
- فراگیران چگونه ارزیابی خواهند شد (ابزار ارزیابی و نوع سؤالات)
- زمانی که فراگیران آموزش خواهند دید (برنامه زمانی) چقدر است؟
- عرصه آموزش کجاست؟ (مکانی که فراگیران در آن آموزش خواهند دید)
- مخاطب برنامه (فراگیران) چه کسانی هستند؟

مزایا و محاسن طرح درس

- فعالیت های آموزشی را نظم دهد.
 - باعث می شود عوامل اصلی جریان تدریس در نظر گرفته شود (Must learn) .
 - باعث می شود که مدرس از روشها و فنون مناسب تدریس استفاده نماید.
 - مشکلات احتمالی تدریس پیش بینی می شود.
 - وظیفه مدرس و فراگیران را مشخص کند.
 - توجه مدرس را به انتخاب روش های مناسب آموزش جلب می نماید.
 - ارزشیابی مدرس توسط مؤسسه آموزشی را آسان می نماید.
 - ارزشیابی فراگیران توسط مدرس را آسان می کند.
 - باعث می شود که مدرس و فراگیران با اعتماد بیشتری سرکلاس درس حاضر شوند.
- انتظار می رود در زمان تدریس و با توجه به طرح درس و اهداف تنظیم شده ، نیازهای آموزشی فراگیران مدنظر قرار گیرد و آموزش با رعایت اولویت بندی انجام شود.

تدوین طرح درس: رعایت مراحل و نکات زیر برای تدوین یک طرح درس خوب لازم و ضروری است:

۱- تحلیل و تنظیم اهداف آموزشی

۲- تحلیل و تعیین محتوا، روش و وسیله کمک آموزشی

۳- تحلیل و تعیین نظام ارزشیابی

گام اول: تحلیل و تنظیم اهداف آموزشی

هدف‌های آموزشی، بیان کننده وضعیت مطلوب یادگیرنده در یک رویداد آموزشی هستند. هدفهای مفید و قابل وصول باید فراگیرمحور (مخاطب یادگیرنده)، صریح و قابل فهم، قابل مشاهده و اندازه گیری و توصیفی از نتایج یادگیری باشند. مراحل نگارش اهداف آموزشی:

- ۱- تعیین هدف یا اهداف کلی: اهداف کلی آموزشی اهدافی هستند که باید در پایان یک دوره آموزشی تحقق یابند. به عبارت دیگر اهداف کلی آموزشی حاوی نتایجی هستند که مدرس انتظار دارد، در اثر آموزشی که به فراگیران می دهد و فعالیت‌هایی که آنها برای یادگیری به عمل می آورند عاید آنان گردد.
- ۲- تبدیل اهداف کلی به اهداف میانی (رئوس مطالب): اهداف میانی از اهداف کلی سرچشمه می‌گیرند، اما نسبت به آنها محدودتر و مشخص تر، و نسبت به اهداف عینی جامعیت و شمول بیشتری دارند. پس از تعیین و نوشتن موضوع درس، طراح باید عناوین فرعی موضوع درس را مشخص سازد، ترتیب و توالی مناسب عناوین فرعی همواره باید مورد توجه قرار گیرد.
- ۳- تبدیل اهداف میانی به اهداف عینی و قابل مشاهده (اهداف رفتاری): اهداف آموزشی عینی به آن دسته از اهداف گفته می شود که نوع رفتار و قابلیت‌هایی را که انتظار داریم دانشجو پس از یک فعالیت آموزشی به آنها برسند، مشخص می کنند. اولین پیش نیاز برای نوشتن یک هدف عینی صراحت و قابل فهم بودن آن است، برای نوشتن اهداف عینی باید از افعالی استفاده کرد که نتوان بیش از یک معنا از آنها استنباط کرد. تدریس باید با توجه به شرایط، ضوابط و امکانات متناسب با سطوح مختلف حیطه های یادگیری سپس براساس سلسله مراتب از آسان به مشکل و یا به صورت پیش نیاز و پس نیاز مرتب گردد. در اهداف رفتاری عملکرد (رفتارمورد مشاهده)، شرایط و معیار دقیقاً باید مشخص شود. بعبارت دیگر مشخص کنیم که فراگیر از چه چیزهایی می تواند یا نمی تواند استفاده کند و یا در کجا و در چه زمانی باید مهارت لازم را کسب کند. مثلاً با استفاده از کتاب، بدون استفاده از ماشین حساب، در حضور جمع. منظور از معیار (درجه موفقیت) حد نصابی است که بر اساس آن رفتار ارزشیابی می شود. مثلاًسه مورد از چهار مورد، در عرض دو دقیقه ۷۰٪صحت، بدون غلط. برای طرح اهداف رفتاری رعایت چهار ویژگی مخاطب، فعل رفتاری، شرایط و معیار و درجه موفقیت، ضروری می باشد.

طبقه بندی سطوح یادگیری: اهداف رفتاری در طبقه های مختلف یادگیری قرار می گیرند و متناسب با پیچیدگی و ماهیت سطوح مختلفی را در بر می گیرند. دانشمندان تعلیم و تربیت اهداف تربیتی را در سه حیطه تقسیم بندی کرده اند. تغییراتی که در اثر تعلیم و تربیت در ذهن ایجاد می شود ماهیت آن دانش و معلومات است در "حیطه شناختی" قرار داده اند. آنچه که به ارزش‌ها،

نگرش‌ها و احساسات مربوط می‌شود در "حیطه عاطفی" و آنچه که با مهارت‌های حرکتی ارتباط پیدا می‌کند در "حیطه روانی - حرکتی" جای داده‌اند.

✓ **اهداف حیطه شناختی (cognitive):** بنجامین بلوم (۱۹۵۶) تفکرا را به شش فرایند تقسیم می‌کند و معتقد است

که فراگیران باید در یک سطح از سطوح فکری آن تبحر حاصل کنند تا بتوانند به سطح بعدی برسند. فرایندهای اساسی تفکر یا سطوح یادگیری در حیطه شناختی به ترتیب عبارتند از:

▪ **دانش (knowledge):** ساده‌ترین سطح شناخت بوده و شامل آن دسته از آموخته‌هاست که بیشتر با حافظه سروکار دارد. دانش شامل یادآوری (بازخوانی و بازشناسی) امور است. نمونه اهداف رفتاری طبقه دانش عبارتند از: تعریف کند، نام ببرد، مشخص کند، فهرست کند، بیان کند و

▪ **درک/فهمیدن (Comprehension):** عبارتست از توانایی فرد در پی بردن به معنی و مفهوم یک مطلب و بیان آن با استفاده از کلمات و جملات خود می‌باشد. نمونه اهداف رفتاری طبقه فهمیدن عبارتند از: ترجمه کند، مثال بزند، حل کند، تمیز دهد، توضیح دهد، خلاصه کند، بازنویسی کند، شرح دهد و

▪ **کاربرد یا بکار بستن (application):** در این سطح یادگیری عمق بیشتری نسبت به فهمیدن پیدا کرده و فراگیر توانایی به کار بستن قوانین، اصول و روش‌ها را در موقعیت جدید و بدون این که به او راه حلی داده شود، را بدست می‌آورد. برای سنجش توانایی فراگیر در کاربرد باید او را در موقعیتی قرارداد که عیناً "شبیبه به آنچه در گذشته آموخته است نباشد. منظور این است که مسئله یا سؤال در سطح کاربرد باید: الف- در قالب یک موقعیت فرضی طرح شود.

ب- از مواد و مطالبی ترکیب شده باشد که فراگیر در گذشته با آنها تماس نداشته است.

ج- از مسائلی باشد که فراگیر آنها را می‌شناسد، اما به شکلی است که وی قبلاً درباره آنها فکر نکرده است.

نمونه اهداف رفتاری طبقه کاربرد عبارتند از: تغییر دهد، نمایش دهد، محاسبه کند، کشف کند، اندازه گیری کند، کنترل کند و

▪ **تجزیه و تحلیل (analysis):** این سطح از یادگیری و تفکر بر توانایی فرد به تقسیم و شکستن مطالبی به اجزاء کوچکتر و تشکیل دهنده آن و همچنین درک روابط بین اجزاء و نحوه سازمان یافتن آن تأکید دارد. نمونه اهداف رفتاری طبقه تجزیه عبارتند از: تفکیک کند، جدا کند، با نمودار نشان دهد و

▪ **ترکیب (synthesis):** عبارتست از توانایی درهم آمیختن و به هم پیوند زدن اجزاء به منظور ایجاد یک کل جدید می‌باشد. نتایج یادگیری در این سطح، ارائه راه حل‌های جالب و ابتکاری و خلاق می‌باشد. نمونه اهداف رفتاری طبقه ترکیب عبارتند از: طبقه بندی کند، نمودار تهیه کند، گروه بندی کند و

▪ **ارزشیابی (Evaluation):** شامل قضاوت درباره ارزش‌ها، روش‌ها، اطلاعات، ساخت‌ها و حتی شیوه‌های مواجهه با مسائل و مشکلات مختلف می‌باشد. یادگیری و تفکر در این سطح زمانی صورت می‌پذیرد که فراگیر کلیه سطوح قبلی را طی کرده و پشت سر گذاشته باشد. نمونه اهداف رفتاری طبقه ارزشیابی عبارتند از: مقایسه کند، نتیجه گیری کند، انتقاد کند، داوری کند و

✓ **اهداف حیطه عاطفی (affective):** حیطه عاطفی شامل رفتارهایی است که به علایق، احساسات، ارزش‌ها، نگرش‌ها،

اخلاقیات و عواطف مربوط می‌شود. حیطه عاطفی هم مانند هدف‌های حیطه شناختی دارای طبقاتی است که از ساده به پیچیده تنظیم یافته است. این طبقات عبارتند از:

- دریافت یا توجه (receiving): در این سطح منظور آن است که فرد نسبت به وجود پدیده ها و یا محرکات آگاه و حساس بوده و مایل به دریافت یا توجه به آنها باشد. نمونه اهداف رفتاری طبقه دریافت عبارتند از: می پرسد، انتخاب می کند ، با دقت گوش می دهد و
 - واکنش (responding): در این طبقه از حیطة عاطفی ما با رفتارهایی سروکار داریم که فراتر از توجه صرف به پدیده مورد نظر است. در اینجا فرد به اندازه کافی انگیزه دارد به طوری که نه تنها مایل به توجه کردن است، بلکه فعالانه توجه می کند. نمونه اهداف رفتاری طبقه واکنش عبارتند از: پاسخ می دهد، کمک می کند، موافقت می کند، بحث می کند، گزارش می دهد و
 - ارزش گذاری (valuing): رفتارهایی که در این طبقه قرار می گیرند از ثبات و پایداری کافی برخوردار است. به نحوی که به صورت خصلت ناشی از داشتن یک عقیده یا یک نگرش در می آید. نمونه اهداف رفتاری این طبقه عبارتند از: طرفداری می کند ، تغییر می دهد، اصلاح می کند، منظم می کند، تعدیل می کند و
 - تبلور ارزشها: در این سطح ارزشهایی که پیش از آن در سلسله مراتب ارزشی فرد جایگاهی داشته اند به صورت نظامی که از ثبات درونی برخوردار است سازمان می یابد. در چنین وضعیتی رفتار فرد به جز در مواردی که وی مورد مخاطره قرار گیرد، تحت تاثیر عواطف و احساسات واقع نمی شود. بدین ترتیب فرد طبق ارزشهایی که درونی کرده است به شیوه ای باثبات عمل می کند. نمونه اهداف رفتاری طبقه تبلور ارزشها عبارتند از: تحت نفوذ قرار می دهد، تجدیدنظر می کند، داوری می کند، قضاوت می کند و
- ✓ اهداف حیطة مهارتی یا روانی-حرکتی (Psychomotor) : طبقات اصلی این طبقه بندی عبارتست از:
- تقلید، اجرای مستقل (independent performance)، دقت (accuracy)، هماهنگی حرکات (coordination) (of actions) و عادی شدن (normality) .

گام سوم: تحلیل و تعیین محتوا، روش و وسایل آموزشی

بخش دیگر طرح درس به توصیف فرایند یاددهی- یادگیری می پردازد. در این بخش مدرس باید چگونگی اجرای آزمون رفتار وروردی، ایجاد ارتباط و انگیزه سازی، روشهای تدریس مورد استفاده، دلایل انتخاب و مبانی نظری این روشها را توضیح داده و چگونگی مدل کلاسی و گروه آموزشی، وسایل و رسانه های مورد استفاده، نحوه جمع بندی مطالب، چگونگی ارزشیابی و نحوه ارائه فعالیتهای تکمیلی و تعیین تکلیف را توضیح دهید. مسلم است که اگر محتوا، روش و وسایل متناسب با هدفها انتخاب و تنظیم نشوند، حتی اگر اهداف آموزشی دقیق و خوب تنظیم شده باشند فعالیت های آموزشی هرگز فراگیران را به آنچه که باید برسند، هدایت نخواهد کرد.

روش تدریس: با پیشرفت علوم و فنون و پیچیده شدن جوامع بشری، نیازهای فردی اجتماعی نیز پیچیده تر می شود و برای ارضای نیازهای پیچیده احتیاج به علوم و فنون پیچیده تر می باشد. کسب علوم و فنون در سایه به کارگیری روشهای مفید و مؤثر، جدید و کارآمد در آموزش امکان پذیر است. روش تدریس استاد کلید یادگیری دانشجو است. روش تدریس با توجه به اهداف رفتاری و موضوع درس مفاهیم، اصول و قوانین هر علم ، ارتباط با مسائل روز توانایی فراگیران ، علاقه و نگرش آنها، انطباق با زمان آموزش و ... انتخاب می شود.

مدرس به هنگام ارائه درس از یک روش به تنهایی استفاده نمی کند. بلکه در جریان ارائه درس آمیخته ای از آن‌ها را به کار می‌گیرد. روش‌های تدریس شامل: بحث گروهی، پرسش و پاسخ، طرح مسئله، آموزش گروهی، آموزش انفرادی، روش نمایش کلینیکی، روش شبیه سازی و **SKILL LAB**، آموزش از طریق اینترنت (E-LEARNING) و ... می باشد.

مواد و وسایل آموزشی: وسایل آموزشی به کلیه تجهیزات و امکاناتی اطلاق می شود که می توانند در محیط آموزشی شرایطی را به وجود آورند که در آن شرایط، یادگیری سریعتر، آسانتر، بهتر، بادوام تر و موثرتر صورت بگیرد. انواع وسایل کمک آموزشی نور تاب و غیر نور تاب شامل: رسانه های نوشتاری، کامپیوتر، تخته، مولاژ، ماکت، پروژکتور اورهد، پروژکتور اسلاید، ویدئو پروژکتور و... می باشد.

به طور کلی عوامل مؤثر در انتخاب رسانه ها عبارتند از: ۱- نوع اهداف آموزشی ۲- ویژگی‌های مخاطبان ۳- روش‌ها و فنون آموزشی ۴- قابلیت رسانه برای انتقال پیام مورد نظر ۵- جذابیت رسانه ۶- کیفیت فنی هنری ۷- عملی بودن و سهولت کاربرد ۸- اقتصادی بودن.

ارزشیابی: ارزشیابی تعیین میزان موفقیت و شایستگی یک برنامه، یک درس و ... در دستیابی به اهداف آن می باشد. با توجه به حیطه تعیین شده برای هر هدف نوع ارزشیابی و سوال (کوتاه پاسخ، جورکردنی، پاسخ شفاهی، صحیح و غلط، تشریحی، نتایج کار دانشجو مانند گزارشات آزمایشگاهی، مصاحبه، OSCE، کنفرانس و سمینار دانشجویی و...) تعیین می شود. آزمون‌ها بر اساس اهداف می‌توانند به صورت آزمون ورودی (آگاهی از سطح آمادگی فراگیران) مرحله‌ای یا تکوینی (در فرایند تدریس با هدف شناسایی قوت و ضعف فراگیران) و آزمون پایانی یا تراکمی (پایان یک دوره یا مقطع آموزشی با هدف قضاوت در مورد تسلط فراگیران) برگزار گردد.

نکته: زمان اختصاص داده شده به هر قسمت از مراحل تدریس باید مشخص شود.

منابع: در این قسمت منابع مورد استفاده شامل کتابهای مرجع، مجلات، وب سایت ها و غیره به ترتیب اهمیت درج خواهد شد.

تهیه شده در دفتر توسعه آموزش دانشکده دندانپزشکی

پاییز ۱۴۰۲